

اعمال انسانی

www.ketab.ir

۱۵-۵۷ ۳۴



کتب

سرشناسه: کانگ، هان، Kang, Han

عنوان و نام پدیدآور: اعمال انسانی/ هان کانگ؛ ترجمه علی قانع

مشخصات نشر: تهران، چترنگ، ۱۳۹۶

مشخصات ظاهری: ۲۰۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۶۶-۵۷-۶

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: کتاب حاضر از متن انگلیسی اثر تحت عنوان «Human Acts: a Novel» به فارسی

برگردانده شده است.

موضوع: داستان‌های کره‌ای - قرن ۲۰م.

شناسه افزوده: قانع، علی، ۱۳۴۰ - مترجم

رده‌بندی کنگره: ۷۱۳۹۶ الف/۷۵/۹۹۲/PL


رده‌بندی دیویی: ۸۹۵/۷۳۵

شماره کتابشناسی ملی: ۴۵۲۵۶۹۹

www.ketab.ir



اعمال انسانی • رمان خارجی • هان کانگ • ترجمه علی قانع • ویرایش: گروه ویرایش نشر چترنگ • نوبت چاپ: دوم، ۱۴۰۱ • ۵۰۰ نسخه • لیتوگرافی: باران • کلیه حقوق برای نشر چترنگ محفوظ است. • نشر چترنگ: تهران، خیابان نصرت، بین کارگر شمالی و جمالزاده، پلاک ۵۸، طبقه دوم، واحد چهار • کد پستی: ۱۴۱۸۸۴۳۳۵۵ • تلفن: ۶۶۱۲۶۸۰۵ • شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۶۶-۵۷-۶ • www.chatrangpub.com

 chatrangpublication

مقدمه مترجم انگلیسی

اوایل سال ۱۹۸۰، کره جنوبی در انتظار جرقه‌ای بود برای شعله‌ور شدن. چند ماه پیش از آن، پارک چونگ‌هی، دیکتاتور نظامی، که از زمان کودتایش در سال ۱۹۶۱ حکومت را در دست داشت، توسط رئیس سرویس‌های امنیتی خودش ترور شد. ریاست بر آنچه «معجزه رودخانه‌هان» نامیده می‌شد - رشد سریع کره جنوبی از کشوری فقیر و جنگ‌زده به یک قدرت اقتصادی بزرگ - باعث جذب حمایت برخی از بخش‌ها و محافل شد؛ هرچند موارد متعدد نقض حقوق بشر به این معنی بود که او هرگز نزد مردم کره جنوبی محبوبیت نداشته است. پارک در اواخر حکومت خودکامه‌اش تسلیم وسوسه‌های استبدادی شد و طرح‌های سرکوب‌گرایانه‌ای را اجرا کرد، که شامل دست بردن در قانون اساسی سابق و تنظیم قانون اساسی جدید می‌شد تا عملاً دیکتاتوری خود را هرچه بیشتر عملی کند. در اواخر سال ۱۹۷۹، همه‌چیز روی لبه تیغ قرار داشت و اعلام حکومت نظامی از سوی رئیس‌جمهور پارک در پاسخ به تظاهرات جنوب کشور، نشانه آن بود که می‌بایست واکنشی نشان داد. اما این ترور با خود دموکراسی به ارمغان نیاورد و در عوض، چنان دوهوان که دست‌پرورده پارک بود به جای او نشست. او ژنرال ارتش با عقاید خشک و متعصب در امور کشورداری بود. با شروع ماه مه وی با سوءاستفاده از شایعه عملیات نفوذی کره شمالی، در سراسر کشور حکومت نظامی بر پا کرد. دانشگاه‌ها را تعطیل کرد، تمام فعالیت‌های سیاسی را لغو و آزادی‌های مطبوعاتی را محدودتر کرد. تقریباً دو دهه بعد

از مرگ پارک چونگ‌هی مردم کره جنوبی تازه متوجه این واقعیت شده بودند که دیکتاتور واقعی چه کسی است. در یکی از شهرهای جنوبی کره به نام گوانگجو^۱، مسئله صنعتی شدن معجزه‌آسای کشور به قیمت کار در شرایط بسیار ناگوار تمام شد و اغلب کارگران به شمار تظاهرکنندگان و دانشجویان معترض پیوستند که همه این‌ها منجر به آگاهی سیاسی وسیع‌تری در بین اقشار مردم شد. نیروهای چترباز فرستاده شدند تا به جای نیروهای پلیس کنترل شهر را در دست بگیرند، اما خشونت و رفتار بی‌رحمانه آن‌ها علیه مردم غیر مسلح باعث افزایش نیروهای مردمی شد. این اتحاد آرامشی موقتی به وجود آورد که طی آن نیروهای چترباز و حامیانشان از شهر عقب‌نشینی کردند.

تیراندازی‌ها، دلاوری و قهرمان‌پردازی‌ها، جنگ‌وگریز و داستان هایبل و قایبل - چیزهایی است که به وفور در فیلم‌های مربوط به قیام گوانگجو آمده و شاید نویسندگان تازه‌کار و سوسه شوند و کارشان را با همین ایده‌های به ظاهر پرکشش و جذاب شروع کنند. همان‌کأنگ داستان‌ش را با توصیف جسمانی که روی هم انباشته شده و بو گرفته‌اند شروع می‌کند، آن‌ها بدون هویت و نام‌ونشان دفن می‌شوند که نشان‌دهنده معضلی هستی‌شناسانه و منطقی است. جایگزینی در ایده اصلی بین واژه‌های هم‌معنی: از «جسد» و «بدن مرده» تا «کالدهای بی‌جان» یا تنها «بدن» بیانگر نوعی عدم قطعیت و یادآور ماجرای آنتیگون است. در بستر فرهنگی کره جنوبی چنین باورهایی را می‌توان به جسم‌گرایی و ایده یکپارچگی جسمانی ارتباط داد. به این معنی که خشونت وارده به جسد، نوعی تعرض به روح است و تمامیتی که به جسم داده می‌شود. در گوانگجو بعضی از جنازه‌ها به دلیل شدت جنایات و خشونت اعمال‌شده به آن‌ها قابل شناسایی نبودند، طوری که امکان برگزاری کفن و دفن و مراسم تدفین از طرف خانواده‌های کشته‌شدگان وجود نداشت.

این رمان همچنین در تعمق در پس‌زمینه‌های پیچیده جنبش هوادار دموکراسی به همان اندازه غیرعادی است. گرچه روش کأنگ این بوده که به جای انتقال اطلاعات خطی و خشک تاریخی، وقایع را از راه تجربیات شخصیت‌ها به خواننده‌اش منتقل کند. بیشترین حجم عناصر طبقات اجتماعی که در این کار به چشم می‌خورد در لایه‌های

زیرین رمان پنهان است؛ مثل دختران کارگری که در اواخر ماجرا با هم متحد شدند و از عوامل انقلابی اصلی در این تغییر و تحول بودند که البته دولت مردان توانستند قیام را، به این بهانه که توطئه‌ای کمونیستی و جاسوس مآبانه از طرف کره شمالی است، در کمال بی‌رحمی و قساوت سرکوب کنند و به این شکل اعمال وحشیانه خود را قانونی و موجه جلوه بدهند. در فصل «زندانی» کتاب، توجه ویژه‌ای به نحوه بیان نویسنده داشته‌ام و امیدوارم که این شیوه بتواند سیاست‌های ظریف و پنهان فرد شکنجه‌شده‌ای را از طبقه کارگر نشان بدهد. او به خاطر رساله یک استاد دانشگاه مجبور به رویارویی مجدد با خاطرات دردناک گذشته‌اش می‌شود. همچنین در اینجا نیز بحث سیاست‌های جنسیتی وجود دارد. در جایی، کارگر گروهی انشعابی را به تصویر می‌کشد تا نشان دهد که با کارگران زن، در مقایسه با کارگران مرد، برخوردی بدتر و ناعادلانه‌تر می‌شود.

ویژگی بارز دیگر در این قیام توجه به اصل منطقه‌گرایی است. این اتفاقی نیست که اولین سروصداها و خشونت‌بارترین آن‌ها از جنوبی‌ترین نقطه شبه جزیره کره برمی‌خیزد، منطقه‌ای که تاریخچه‌ای طولانی در مخالفت‌های سیاسی و اعتراض به دولت مرکزی دارد و می‌توان علت این امر را، که چرا شورش‌ها و قیام‌ها با این شدت خشونت سرکوب شدند، در همین مقوله منطقه‌گرایی شرح داد؛ اینکه چگونه دولت توانست جزئیات دقیق شلوغی‌ها و آمار سرکوب‌ها را تا مدت‌های طولانی پنهان نگاه دارد و نهایتاً در سال ۱۹۹۷ به صورت کاملاً رسمی یادبودی برای این کشتار برگزار کند. ولی میزان این قتل‌عام‌ها و مدارک باقیمانده‌اش موضوع بحث برانگیزی است که تا کنون حل نشده باقی مانده است. در ابتدا، ابراز مخالفت با این آمار و ارقام که دولت انتشار داد منجر به دستگیری عده‌ای می‌شود، زیرا ارقام اعلام شده بسیار کمتر از آنچه بود که خبرنگارهای خارجی اعلام کردند و هیچ اصلاحیه‌ای صورت نگرفته بود. صرف‌نظر از بحث جغرافیایی، به لحاظ ذهنیت روانی هم گوانگجو آن قدر از سنول دور بود که منطقه‌ای دورافتاده به نظر می‌رسید. مانند ذهنیت روانی و بُعد مسافتی که لندن با ایرلند شمالی، در زمان قتل‌عام یکشنبه خونین معروف، داشت.

پیوند شخصی هان کانگ با این موضوع که خود متولد و بزرگ‌شده گوانگجو است، باعث شده تا همه چیز را به صورت فرایندی نهایتاً دردناک و ناراحت‌کننده در این رمان بگنجانند. او نویسنده‌ای است که همه چیز را از صمیم قلبش احساس می‌کند و این

نگرانی را دارد که تمامی تردیدها و تزلزل‌های موجود در اصل ماجرا حفظ شوند و از تحریک احساسات و غم و اندوه و شرمی که همشهری‌هایش متحمل شده بودند کاسته شود. یکدلی و همذات‌پنداری او از طریق «مادر پسرک» به ما منتقل می‌شود که با لهجه غلیظ گوانگجویی نوشته شده بود و برگردان دقیق آن به زبان انگلیسی غیرممکن بود، چراکه لهجه‌های مناطق مختلف کره نه تنها از طریق واژه‌ها، که غالباً از طریق تفاوت‌های دستوری نیز از یکدیگر مجزا می‌شوند. برای شخص من وفادار ماندن به ترجمه، بیشتر انتقال بار معنایی و تأثیر روانی لحن آن بر خواننده است تا مباحث نحوی متن؛ بنابراین تلاش کرده‌ام تا از گونه‌های محاوره‌ای بهره ببرم که انتقال‌دهنده لحن گرم و صمیمی خانم هان کانگ باشد. هرچند در کار تا اندازه‌ای از لهجه یورک‌شایری استفاده کردم که آن را به حساب تجربه مترجم انگلیسی این کتاب بگذارید.

یکی از عناوین اصلی این رمان «قیام‌ها» بود. به همان اندازه که درباره قیام گوانگجو یک سری از واژه‌ها به وضوح در این کتاب مطرح شده، واژه‌هایی نیز از سراسر این رمان برمی‌خیزد که بیانگر طغیانی از جنس‌های دیگرند، همچون به پا خواستن، نمودار شدن، ظهور، سطح، جلو آمدن که انواع دیگری از قیام را بیان می‌کند. گذشته، مانند جنازه مرده‌ها، هنوز دفن نشده است. یکی از واژه‌های کره‌ای «به یاد آوردن» با واژه «آمدن به سطح» هم‌معناست، یادآوری خاطره‌ای گنگ و مبهم که غالباً غیرعمدی در کتاب کانگ آمده است. در اینجا تاریخ‌شناسی بافت پیچیده‌ای دارد، با آمدورفتی ثابت میان گذشته و حال و القای حسی که مدام مداخله می‌کند یا بعداً سایه‌اش را روی متن می‌اندازد. برش‌هایی در پاراگراف‌ها و عنوان‌هایی فرعی به متن ترجمه وارد شده تا این تغییرات زمانی را بدون اینکه موجب سردرگمی خواننده شود، حفظ کند.

در سال ۲۰۱۳، وقتی پارک گئون‌های، دختر پارک چونگ‌هی در مقام رئیس جمهوری بر سر کار آمد، گذشته‌ها رو شدند و زخم‌های کهنه برای اهالی گوانگجو، مثل هان کانگ، سر باز کردند. از این رو، رمان او پاسخی شخصی برای تحولات اخیر کشورش به حساب می‌آید که البته جنبه سیاسی هم دارد و نوعی یادآوری درباره اعمال انسانی است که همه ما قادر به انجامش هستیم، بی‌رحم بودن و شفیق بودن، پست بودن و رفیع بودن.

دبورا اسمیت